

آیا کودک شما خلاق است؟

مقدمه

کودکان، این امانت‌های الهی سرشار از انرژی و بسان پرندگانی‌اند که تازه بال در آورده و همیشه در حال جست‌وخیز و تکاپور و فعالیت‌اند. از آن جا که آن‌ها تازه میهمان ما و این کره خاکی شده‌اند، همه جا برایشان غریب و ناآشنا و نامأنوس است. به همین علت همواره سؤالات جدیدی به ذهن آن‌ها خطور می‌کند و همیشه به دنبال کشف حقیقت‌اند. این در حالی است که اکثر اولیا و مربیان به علت بر خوردار نبودن از دانش و آگاهی و نداشتن صبر و حوصله کافی، قادر به پاسخ‌گویی دقیق، روشن و علمی به سؤالات بی‌درپی آن‌ها نیستند و نه تنها از پاسخ دادن به سؤالات کودکان طفره می‌روند، بلکه گاهی بر خوردهای غیرمنطقی و خشن انجام می‌دهند، تا جایی که به تدریج ترس و تردید به وجود کودکان رخنه پیدا کرده، برای پیشگیری از بر خوردهای ناشایست اولیا و مربیان تصمیم به مطرح نکردن پرسش‌های خود می‌گیرند. تا هم خود و هم بزرگ‌ترها، هر دو راحت باشند. اما نتیجه این کار، خزان زودرس غنچه‌های باغ زندگی مان و نابودی خلاقیت و ابتکار آنان خواهد بود.

با عنایت به این که عالی‌ترین هدف آموزش و پرورش در همه سطوح تحصیلی ایجاد توانایی‌های آفریننده در دانش‌آموزان است (سیف، ۱۳۷۹) و در دنیای پر تغییر قرن بیست و یکم آموزش و آفرینندگی و ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان، مهم‌ترین مسئولیت پرورشی آموزشگاه‌هاست و نقش کلیدی در این زمینه بر دوش معلمان است (حمیدیان، ۱۳۷۸). لازم است این مهم بیش از پیش مورد توجه نظام آموزشی و اولیا و مربیان قرار گیرد.

خلاقیت چیست؟

از اندیشمندان به خلاقیت به عنوان یک فرایند می‌نگرند. اما تعریف آنان از خلاقیت مبتنی بر ویژگی « مولد بودن » است. مک کینان در تعریف خلاقیت می‌نویسد: «خلاقیت عبارت است از حل مسئله به نحوی که ماهیتی بدیع و نو داشته باشد». ویلیامز می‌نویسد: « خلاقیت

روانشناسان در تعریف خلاقیت متفق‌القول نیستند و به خلاقیت از ابعاد گوناگون می‌نگرند. در گذشته محور بحث روان‌شناسان در موضوع خلاقیت، «شخص خلاق یا فرایند خلاق» بود. امروزه نیز اگرچه بسیاری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نشریه ناگفته آموزشی - تربیتی
از ۱۳۸۶
شماره ۳۳۸

مهارتی است که می‌تواند اطلاعات پراکنده را به هم پیوند دهد، عوامل جدید اطلاعاتی را در شکل تازه‌ای ترکیب کند و تجارب گذشته را با اطلاعات جدید برای ایجاد پاسخ‌های منحصر به فرد و غیر متعارف، مرتبط سازد (شهنی بیلاق، ۱۳۷۵). هم‌چنین می‌توان گفت خلاقیت گستره وسیعی از مسائل کوچک روزانه تا پیشرفت‌های مهم تاریخی در علوم و ادبیات و هنر را در بر می‌گیرد و بر خلاف تصور عمومی هر فرد با توانایی‌های شناختی معمولی با قدری تلاش می‌تواند از خود خلاقیت نشان دهد (حسینی، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، گانه خلاقیت را نوع ویژه‌ای از حل مسئله می‌داند (سیف، ۱۳۷۹).

ویژگی‌های افراد خلاق

هر عملی که فرد انجام می‌دهد می‌تواند خلاق باشد، به شرطی که دو اصل در آن رعایت شده باشد:

- ۱- با آن چه قبلاً انجام داده متفاوت باشد.
- ۲- صحیح، جذاب و معنی‌دار باشد.

در پژوهش‌هایی که توسط استییز (۱۹۶۵)، بارون (۱۹۶۹) و کلارک (۱۹۷۹) صورت گرفته صفت‌های ذیل به عنوان ویژگی‌های افراد خلاق بیان شده است (سیف، ۱۳۷۹):

- دارای گنجایش فکری و ذهنی زیادی‌اند.
- علاقه آن‌ها به مسائل علمی، هنری، فرهنگی و اجتماعی بیش‌تر و دامنه اطلاعات آن‌ها در این زمینه وسیع‌تر است.
- درباره مسائل انتزاعی، در مقایسه با مسائل عینی و ملموس، بهتر و عمیق‌تر می‌اندیشند.
- دوست دارند که در مباحث عقیده خود را بیان کنند، ولی اصرار به تحمیل عقاید خود ندارند.
- انعطاف پذیرند و بیانشان دارای طنز است.
- علاقه به سؤال و پرسش دارند و بسیار کنجکاوند.
- محافظه کار نیستند و بیش‌تر خطر می‌کنند.
- علاقه‌های فراوان و متنوع دارند و دارای فرایندهای غیر متعارف فکری‌اند.
- در فکر و عمل از اصالت و نوآوری بیش‌تری برخوردارند.

- دارای زندگی تخیلی بوده، درگیری بیش‌تری با رویاهای خیالی دارند.
- استقلال طلب‌اند و دوست ندارند که از راه و روش زندگی دیگران پیروی کنند.
- اعتماد به نفس خوبی دارند و در مقابل ناکامی‌ها کم‌تر دلسرد و مأیوس می‌شوند.
- از معیارها، رسوم و ارزش‌های اجتماعی که به نظرشان قابل قبول نیستند کم‌تر پیروی می‌کنند و بیش‌تر متکی به قضاوت شخصی خودند.
- در رابطه با دیگران رُک، صریح و درستکارند.
- به مسائل مذهبی همچون ارزش‌ها، معنی زندگی و این قبیل امور توجه می‌کنند.
- بر غرایز خود تسلط بیش‌تری داشته، شخصیت رشد یافته‌تری دارند و کم‌تر دچار اختلال روحی و روانی می‌شوند.
- دارای حافظه‌ای دقیق‌اند و به جزئیات مسائل توجه می‌کنند.
- توانایی انجام کارهای پیچیده را دارند.

عوامل ایجاد خلاقیت در کودکان

- ۱- داشتن استقلال و حق انتخاب: تحقیقات نشان داده دانش‌آموزانی که استقلال بیش‌تری در تصمیم‌گیری دارند و به آنان حق انتخاب داده می‌شود از انگیزه درونی بیش‌تری برای انجام کار برخوردارند و پیشرفت خلاقیت در آنان قابل ملاحظه است. ندادن حق انتخاب در دوران کودکی خطر کاهش خلاقیت را به دنبال دارد.
- ۲- محیط خانه و مدرسه: آمابیل و همکارانش (۱۹۸۸) در مصاحبه‌هایی که با ۱۲۰ دانشمند در بیست رشته مختلف داشتند به این نتیجه رسیدند که عوامل محیطی در رشد خلاقیت نقشی مؤثر دارد (حسینی، ۱۳۸۱). اولیا و مربیان ما با نیت خیرخواهانه و با قصد شکوفایی استعدادها دانش‌آموزان را وادار می‌کنند مطالبی را یاد بگیرند که هدف از یادگیری آن‌ها را نمی‌دانند. این مسئله می‌تواند خلاقیت را در دانش‌آموزان نابود کند. گاه شرایط موجود در خانه و مدرسه به گونه‌ای است که نه تنها به پرورش خلاقیت کمک نمی‌کند بلکه این موهبت الهی را سرکوب می‌کند.



۴- تعریف، تأیید و ستایش: کودکانی که به طور مداوم از طرف خانواده یا معلمان مورد تعریف و تشویق قرار می‌گیرند، یاد می‌گیرند که فقط کارهایی را انجام دهند که مورد توجه والدین یا معلمان آنهاست. آن‌ها یاد می‌کنند که در زندگی آینده به جای خلاقیت و ابتکار، خود را با شرایط سازگار کنند و تنها به دنبال اموری باشند که تعریف و ستایش دیگران را به رسمت آورد. این امر حتی در مورد بعضی از نوابغ صادق بوده است. «الیوت و دستایوسکی اعتراف کردند پاداشی که به علت اخذ جایزه نوبل و ... گرفتند باعث افسردگی و ناراحتی شدید آن‌ها (به دلیل کاهش انگیزه خلاقیت) شده بود» (آماییل، ترجمه قاسم‌زاده، ۱۳۷۵).

۵- خودپنداره: خودپنداره یا تصویری که هر فرد از خودش در ذهن دارد، می‌تواند باعث افزایش خلاقیت یا مانع آن باشد. دانش‌آموزانی که از توانایی‌های خود

(کریمی، ۱۳۸۴). تارنس نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسید که منحنی خلاقیت بسیاری از کودکان در حدود ده سالگی افت پیدا می‌کند و آنان هرگز خلاقیت دوره اولیه کودکی را باز نخواهند یافت (فرنودیان). مطالعات هم‌چنین نشان می‌دهد که مادر نقش بسیار زیادی در ایجاد و بالا بردن خلاقیت دارد (آده‌مز، ترجمه باقری، ۱۳۷۱).

۳- پاداش: اگرچه روان‌شناسان و خصوصاً رفتارگرایان، پاداش را عاملی مهم برای تقویت رفتار می‌دانند، اما اگر این پاداش‌ها به درستی و در جای خود اعمال نشود، نه تنها تأثیری مثبت ندارد، بلکه حتی خود عاملی برای از بین بردن خلاقیت خواهد بود. استفاده مداوم از مشوق‌های بیرونی که متأسفانه در مدارس و خانواده‌های ما متداول شده است، باعث می‌شود میل و انگیزه‌های درونی از بین برود.

تصویری مثبت داشته باشند اعتماد به نفس در آن‌ها بالا می‌رود و خلاقیت آنان افزایش می‌یابد. از سوی دیگر خودپنداره منفی باعث کاهش اعتماد به نفس و در نتیجه کاهش خلاقیت می‌شود.

۶- ترس یا نترسیدن از شکست: اگر کودک یا دانش‌آموز شما در مواجهه با سؤالات و پرسش‌های گوناگون دچار ترس نشود و احساس یأس و ناامیدی به او دست ندهد، زمینه بروز خلاقیت در او بیش‌تر می‌شود. عکس آن نیز صادق است. از آن جا که همه ایده‌ها به جواب نمی‌رسند و احتمال عدم موفقیت نیز وجود دارد، نباید به جواب نرسیدن ایده‌ها را شکست تلقی کرد. وقتی از ادیسون پرسیدند: از این که در راه کشف ماده‌ای برای فیلامان لامپ دو هزار بار شکست خوردی، چه احساسی داری؟ او جواب داد: من شکست نخوردم، من فهمیدم دوهزار ماده وجود دارد که به درد ساختن فیلامان لامپ نمی‌خورد.

۷- ایجاد فرصت برای کسب بینش و کشف

مجهولات: یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای ایجاد خلاقیت کودکان فرصت دادن به آن‌ها برای پاسخ‌گویی، کسب بینش و کشف مجهولات است. هیچ‌دانش‌آموزی در جهان به کمک آن‌چه می‌شنود و به یاری آن‌چه می‌بیند، پیشرفت نمی‌کند؛ پیشرفت وی به آن‌چه می‌کند بستگی دارد. دیویی می‌گوید: «اگر دانش‌آموز برای رسیدن به حقیقتی سه روز وقت صرف کند تا آن را شخصاً کشف کند، به صرفه‌تر از آن است که همین حقیقت را در یک ربع ساعت برایش توضیح دهیم» (شکوہی، ۱۳۸۵).

روش‌های آموزش خلاقیت

همه روان‌شناسان پرورشی و متخصصان آموزشی معتقدند که توانایی‌های آفریننده و شیوه‌های فکری و اگر را می‌توان به افراد، به‌ویژه به کودکان و نوجوانان، آموزش داد. در این قسمت پیش‌نهادهای مهم این صاحب‌نظران درباره روش‌ها و فنون ایجاد آفرینندگی یا خلاقیت مطرح می‌شود:



۱- تجارب دانش‌آموزان را به موقعیت‌های خاص محدود نکنید.

کارهای بدیع و تخیلات دانش‌آموزان را مورد تشویق قرار دهید. سؤال‌هایی از آن‌ها بپرسید که مشوق تفکر و اگر باشد و از تکرار روش‌های معمول و متداول بپرهیزید. نوع سؤالاتی که معلم از دانش‌آموزان می‌پرسد بر نحوه تفکر آن‌ها بسیار مؤثر است. سؤالاتی بپرسید که با چرا و چگونه آغاز می‌شود، نه با کجا، چه کسی و چه وقت. سؤالاتی طرح کنید که دارای جواب‌های متعدد باشند. برای مثال، در درس علوم، معلم به جای تعریف جاذبه می‌تواند از دانش‌آموزان بپرسد: اگر نیروی جاذبه وجود نداشت انسان با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شد؟

۲- برای طرح سؤال‌ها و اندیشه‌های غیرمعمول و بدیع ارزش قائل شوید.

دانش‌آموزان را تشویق کنید تا سؤال‌های گوناگون از شما بپرسند، فراتر از اطلاعات و دانش‌های معمول فکر کنند و راه‌های مختلف برای حل مسائل پیش‌نهاد کنند.

۳- فرصت‌هایی برای خودآموزی و یادگیری اکتشافی در اختیار یادگیرندگان قرار دهید.

اگر فقط حفظ کردن مطالب و راه‌حل‌های قالبی مورد تأیید معلمان واقع شوند، دانش‌آموزان به حفظ کردن مطالب تشویق خواهند شد. اما اگر اندیشه‌های اصیل مورد تأیید قرار گیرند، دانش‌آموزان به فعالیت‌های خلاق مبادرت خواهند کرد.

۴- نسبت به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان با احترام برخورد کنید.

از وادار کردن دانش‌آموزان به رقابت و هم‌چشمی با یکدیگر بپرهیزید. هر یک از دانش‌آموزان دارای استعداد و قریحه خاص خودش است که شاید از این جنبه با دانش‌آموزان دیگر متفاوت باشد.

۵- رفتارهای آفریننده را برای کودکان سرمشق قرار دهید.

مطالعات نشان می‌دهد که روش آموزش از طریق سرمشق‌دهی بیش‌تر از روش‌های مرسوم آموزشی منجر به ایجاد رفتارهای خلاق می‌شود.

۶- از روش‌ها و فنون ویژه برای بالا بردن سطح آفرینندگی استفاده کنید.

روش‌هایی مثل روش بارش مغزی، آموزش مهارت‌های پژوهشی و روش مطالعه آفریننده - که در آن دانش‌آموز تنها به این سؤال اکتفا نمی‌کند که مؤلف چه می‌گوید بلکه از خود می‌پرسد که چگونه می‌توانم آن‌چه را که نویسنده نوشته مورد استفاده قرار دهم، در بالا بردن سطح خلاقیت بسیار مؤثر است.

پیش‌نهادهای

- یکی از مشکلات ما این است که سطح توقعات و انتظارات نظام آموزش و پرورش با آن‌چه در عمل اتفاق می‌افتد، در بعضی از موارد متفاوت است. برای مثال، ما خواهان ایجاد خلاقیت، تفکر انتقادی و ... هستیم، اما این موضوعات در برنامه‌های درسی، روش‌های مدیریتی، روش‌های تدریس، نظام ارزشیابی و ... کم‌تر مشاهده می‌شود. بنابراین، اولین قدم ایجاد تغییر در این رویکرد است.

- با توجه به نتایج تحقیقات، مبنی بر این که سن ایجاد خلاقیت عمدتاً قبل از ده سالگی است (فرنودیان)، بنابراین باید به نقش دوره پیش‌دبستان و دبستان بیش‌تر توجه شود و تغییرات اساسی در ساختار این دوره‌ها انجام گیرد.

- از آن‌جا که افراد خلاق سرمایه‌های اصلی کشورند، شناسایی، تحت پوشش قرار دادن و ایجاد امکانات اضافی برای مطالعه آن‌ها بسیار مهم است.

منابع:

- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). روان‌شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
- حمیدیان، برات (۱۳۷۸). روش‌های ایجاد و پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان. رشد معلم.
- شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۷۵). روان‌شناسی برای آموزش.
- حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۱). اهمیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کریمی، علی (۱۳۸۴). پرورش خلاقیت. تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- فرنودیان، فرح‌الله. محتوای درسی و پرورشی خلاقیت دانش‌آموزان. رشد تکنولوژی آموزشی، سال پنجم، شماره ۷.
- آدامز، میلر (۱۳۷۱). روان‌شناسی کودکان محروم از پدر. ترجمه خسرو باقری و محمد عطاران. تهران: تربیت.
- آماییل، ترزا (۱۳۷۵). شکوفایی خلاقیت کودکان. ترجمه قاسم‌زاده و عظیمی. تهران: دنیای نو.
- شکوهی، غلام‌حسین (۱۳۸۵). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: آستان قدس رضوی.